



تهیه و تنظیم:  
مهندس اکبر شیرزاده

## پژوهشی در نساجی ایران

# دوران قاجار



تصویر شماره ۲- مظفرالدین شاه و درباریان



تصویر شماره ۱- امین السلطان

در حالی که شاه و صدراعظم در حال پیدا کردن راه‌های جدید برای به دست آوردن وام و قرضه از کشورهای روسیه و انگلیس (در حالی که خزانه مملکت تهی شده بود) بودند و مرتب در تکاپو به سر می‌بردند و از تعهداتی که به مملکت داشتند؛ غافل بودند و از راهنمایی و پشتیبانی مردم، هنرمندان و صنعتگران به کلی لاقید شده بودند و تنها به فکر منافع خود و اطرافیان و تملق‌گویان به سر می‌بردند.

بیچارگی مردم، نداشتن قوت و غذا، مسکن، لباس، بهداشت و درمان اهالی هیچ‌گونه اهمیتی برای آنها نداشت و دربار و صدراعظم فقط در فکر تدارک مسافرت به اروپا و خوشگذرانی بودند در این میان هنرمندان و صنعتگران به فکر ابتکاراتی بودند که تولیدات خود را به نحوی به درجه اهمیت خارجیان برسانند و اگر هم ممکن شد از آنها برتری پیدا کنند (لبته به وسیله دستگاه‌های دستی و تولید اندک) در این راه پارچه‌بافان و تولیدکنندگان البسه با استفاده از مهارت چندین هزار ساله و تحقیق از طرح‌های روی پارچه‌های انگلیسی و روسی و اروپایی نمونه‌گیری کرده، به تولیدات پشمی خود سروسامانی دادند و پارچه‌های خود را تا اندازه بسیار خوبی به درجه بالایی آورده و تولید کردند. به تدریج بازار پارچه‌های اروپایی را به دست آورده و مصرف داخلی کشور را تا حدی از دست

بزرگی به صنعت نساجی کشور کردند. نخست، میرزا ابراهیم کلانتر که انگلیسی‌ها را به ایران راه داد و به وسیله گرفتن طاقه‌های پارچه‌های پشمی انگلیسی (فاستونی و گاباردین) و تبدیل آنها به لباس و تشویق شاه و درباریان به ملبس کردن خود به این گونه لباس، باعث شد تولید پارچه‌های پشمی در ایران افول کند. دومین صدراعظم، میرزا آقاخان نوری بود که نقش بزرگی در قتل امیرکبیر داشت و بعدها باعث از بین بردن سرمایه صنعتگران و کارگران، گماردن خویشاوندان خود در رأس مورد و تسلیم مملکت به روس و انگلیس شد. سومین نفر، امین السلطان صدراعظم ناصرالدین

خارجیان درآوردند. کشورهای اروپایی چون خود مصرف‌کننده پارچه‌های شکل‌دار و گل و بته‌دار ایرانی (اعم از ترمه و مخمل و پارچه‌های ابریشمی پرده‌ای و طرح‌های نقش‌دار و گل و بته‌دار و شکل‌دار که در ایران به نحو بسیار زیبا و اعلا و جذاب تولید می‌شد) بودند؛ به فکر افتادند وسیله‌ای فراهم و اختراع کنند که بتوانند این نوع پارچه را به وسیله ماشین با سرعت بالا تولید نمایند. دستگاه‌هایی ساخته و به کار بردند ولی جوابگوی تولید عالی نبود تا اینکه شخصی در فرانسه به نام ژوزف ژاکارد دستگاه خود را ارائه نمود. در دوران قاجاریه سه نفر از صدراعظم‌ها خیانت

تصویر شماره ۳- امین السلطان



تصویر شماره ۴- مظفرالدین شاه، ولیعهد روسیه تزاری و امین السلطان



شاه و مظفرالدین شاه بود که با بردن آنها به اروپا، کلیه سرمایه مملکت را به باد فنا داد و با گرفتن وام و قرض از خارجیان، ایران را به ورشکستگی کشاند.

در تصویر شماره ۱، امین السلطان با لباس پشمی انگلیسی و تکه دوزی و ملیله کاری شده و حمایل ابریشمی دیده می‌شود. لبه‌های پایین لباس با طرح بته جقه تکه‌دوزی شده است و نشان وزارت و صدراعظمی روی حمایل ابریشمی قابل مشاهده است.

میرزا علی اصغر خان که به القاب اتابک، امین الملک، امین السلطان و اتابک اعظم نیز شناخته می‌شود، از رجال سیاسی ایران قرون گذشته است. وی متجاوز از ربع قرن در سمت‌های وزیر اعظم، صدراعظم و نخست وزیر مشروطه، سیاست داخلی و خارجی ایران را اداره نمود (به عبارت بهتر تخریب کرد!).

در تصویر شماره ۲ سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا را نشان می‌دهد. امین السلطان به همراه کلیه وزیرا و همراهان به انضمام شاه همگی لباس پشمی انگلیسی و بدون تزئینات بر تن دارد. در این تصویر امین السلطان و شاه کنار هم قرار دارند.

میرزا علی اصغر خان سومین نخست وزیر مشروطه سال ۱۲۷۴ قمری در تهران متولد شد. پدرش مرحوم آقا ابراهیم امین السلطان از رجال موثر دربار ناصرالدین شاه بود که مقام وزارت داخله

و دربار را به عهده داشت. وی تحصیلاتش را در زمینه‌های ادبیات فارسی، زبان عربی، ریاضیات، تفسیر، تاریخ، کلام و اصول نزد معلمین خصوصی ادامه داد و در نظم و نثر و اسلوب سخنوری صاحب نظر گردید. در سال ۱۲۸۸ شغل و لقب صاحب جمعی یافت و در سال ۱۲۹۸ خزانه‌داری نظام به او محول گردید و یک سال بعد ملقب به امین الملک شد.

در سال ۱۳۰۰ پس از فوت پدرش، قائم مقام مشاغل و مناصب او گردید و با سمت وزیر اعظم امور مربوط به وزارت داخله و دربار به عهده‌اش واگذار شد و امین السلطان لقب گرفت.

تصویر شماره ۳، میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم را نشان می‌دهد. در این لباس که باز هم از پارچه‌های انگلیسی است، نشان‌های مختلف به روی سینه وی ملاحظه می‌شود در حالی که به وسیله گلابتون دوزی و تکه‌دوزی روی لباس همراه مدال‌ها، تزئینات لباس انجام شده است در این زمان نامبرده، وزیر دربار و خزانه و گمرک و صاحب ۴۴ منصب بزرگ دیگر بود!

در سال ۱۳۰۳ امور مربوط به ریاست خارجی ایران و وزارت امور خارجه را عهده‌دار شد و عملاً پس از فوت میرزا یوسف مستوفی الممالک، به عنوان شخص دوم ایران شناخته می‌شد. در سال ۱۳۱۰ لقب صدراعظم را دریافت کرد و تا سال ۱۳۱۳ و ترور ناصرالدین شاه همچنان صدراعظم بود. پس از نشستن مظفرالدین شاه به

تخت سلطنت، وی در مقام صدارت قرار گرفت و تا سال ۱۳۱۴ در این سمت به کار ادامه داد. در آن سال با دسایس درباریان و اطرافیان شاه از کار برکنار و به قم تبعید شد. پس از آن امین الدوله به جای وی صدراعظم گردید؛ هرچند مدت صدارت امین الدوله بیش از یک سال به طول نکشید که بار دیگر امین السلطان به کار دعوت شد و در سال ۱۳۱۶ با عنوان اتابک اعظم، صدراعظم گردید و تا اواخر ۱۳۲۱ در این سمت باقی ماند. اتابک در این مدت موجبات سفر مظفرالدین شاه به اروپا را فراهم ساخت و با دو فقره قرضه‌ای که از روس‌ها گرفت، دو سفر در معیت شاه به اروپا رفت.

در تصویر شماره ۴، همگی افراد لباس رسمی بر تن دارند به جز شاه که لباسی ساده و بدون تزئینات پوشیده است. افراد با لباس پشمی اروپایی و نشان و درجه و مدال دیده می‌شوند. لبه‌های لباس، اطراف یقه، روی سینه‌ها و لبه پایین لباس‌ها طرح بته جقه تکه‌دوزی و گلابتون دوزی شده است که نمایی از هنرهای دستی ایران می‌باشند و در اروپا کمتر نظیر آن دیده می‌شد.

«مخبر السلطنه هدایت» دوست و معاون اتابک که با وی به سفر دور دنیا پرداخت در کتاب خاطرات و سفرنامه مکه، کم و بیش درباره اتابک اظهار نظر می‌کند. او معتقد است اتابک مردی کریم‌النفس، بلندهمت با نطق و قلم، مدیر و

### تصویر شماره ۵- امین السلطان و فرزندانش



شاه بر یک سوم خاک ایران تسلط داشت و بر آن حکومت می‌کرد؛ به نحوی که نیروی زنده و مجهزی تحت تعلیم افسران اتریشی فراهم کرده بود و هر آن بیم حمله و تصرف تهران می‌رفت. امین‌السلطان در ابتدای کار موفق شد حکومت او را که محدود به اصفهان و فارس، جنوب، خوزستان، لرستان، گلپایگان و سایر شهرهایی که زیر نظر وی بود، خارج کند.»

امین‌السلطان که از ۲۸ سالگی نفر دوم ایران شده در زمان صدارت دوم خود در عهد مظفرالدین شاه با اخذ وام از روسیه تزاری، مظفرالدین شاه را به بهانه معالجه به اروپا برد. دوره سوم صدارت او در زمانی است که محمدعلی میرزای قاجار بر تخت شاهی ایران با سرکوب مشروطه تکیه زد. امین‌السلطان که آن هنگام در اروپا اقامت داشت به ایران بازآمد و پس از ورود به نخست‌وزیری رسید و کابینه‌اش را پس از چند روز به مجلس معرفی کرد؛ اما این بار صدارت او کوتاه مدت بود و پایان نخست‌وزیری او با مرگش همزمان شد. او چهار ماه پس از تکیه بر کرسی صدارت در ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ در حالی که با سید عبدالله بهبهانی از مجلس خارج می‌شد، ترور و کشته شد.»

در تصویر شماره ۶، کلیه لباس‌ها بر قامت درباریان همگی از پارچه‌های انگلیسی است و فقط ۳ نفر پارچه پشمی دستباف ایرانی با رنگ متفاوت دربردارند. (این است نشان پایبند بودن به ملیت و حمایت از محصولات داخلی و پشتیبانی از صنعتگران!)

در تصویر شماره ۷، مظفرالدین‌شاه سوار بر کالسکه دیده می‌شود. قرضه گرفتن از روسیه و مسافرت شاه بولخرچی‌های فراوان و گردش در اروپا موجبات ناخشنودی مردم را فراهم نمود و باعث دگرگونی‌هایی را به ظاهر بر ضد حکمرانی آصف‌الدوله در تهران باعث گردید ولی در باطن بر ضد بی‌کفایتی حکومت بود. در این سفر بود که به جان مظفرالدین شاه در پاریس سو مقصد شد که نافرجام ماند.

مهدی‌قلی هدایت در گزارش ایران می‌نویسد: «در این سفر بود که آنارشستی به شاه در کالسکه

زمانداری خود به طور رسمی سه سفر به خارج نمود. در سال ۱۳۰۶ در معیت ناصرالدین شاه به اروپا سفر کرد و پس از مراجعت قرارداد لاتاری که با انگلستان بسته شده بود موجبات عدم رضایت مردم شد و لاجرم واقعه تحریم تنباکو و فتوای میرزای شیرازی پیش آمد که سرانجام قرارداد فسخ و مبلغ پانصد هزار لییره خسارت به کمپانی دریافت‌کننده امتیاز داده شد.

این مبلغ از بانک شاهی با بهره ۶ درصد اخذ شد و همین امر موجبات به هم خوردن وضع مالی ایران شد. به نوشته ابراهیم تیموری از کارهای مهم و عمده امین‌السلطان در دوران ناصرالدین شاه کوتاه کردن دست پسران شاه مانند ظل‌السلطان و کامران‌میرزا نایب‌السلطنه بود. تا سال ۱۳۰۴ ظل‌السلطان فرزند ارشد ناصرالدین

سیاست‌شناس بوده است در عوض محمدحسن خان اعتمادالسلطنه - وزیر انطباعات ناصرالدین شاه - و یکی از دشمنان سرسخت امین‌السلطان، در تمام یادداشت‌های خود به وی حمله می‌کند و می‌گوید «امین‌السلطان را نمی‌دانم طاعون مصرش خوانم و یا وبای هند! بلایی ست که حتماً به جان دولت و ملت خواهد افتاد و ایران را به باد فنا خواهد داد، جامع تمام رذائل و فاقد کلیه فضائل است.»

تصویر شماره ۵، امین‌السلطان و فرزندانش را نشان می‌دهد که هگی ملبس به لباس پارچه انگلیسی به طور ساده و بدون تزئین هستند. (این است حمایت از تولیدات ایرانی!) در کتاب عصر بی‌خردی یا تاریخ امتیازات در ایران تألیف ابراهیم تیموری آمده است: «اتابک در دوران



تصویر شماره ۶- امین‌السلطان و اعضای دربار سلطنتی





تصویر شماره ۷- مظفرالدین شاه، سوار بر کالسکه



کالسکه‌اش بود، نامه را از منشی خود گرفت و خواند. در آن نوشته شده بود «همان سرنوشت امبرتو، امروز در انتظار توست.»

امبرتو شاه ایتالیا، چند روز قبل (۲۹ ژوئیه) ترور شده بود اما مظفرالدین شاه نامه و تهدید درون آن را جدی نگرفت و آن را به رییس نگهبانان کاخ داد و به کالسکه‌چی اشاره کرد که راه بیفتد. عده زیادی جلوی در کاخ جمع شده بودند و برخی آنان با صدای بلند به شاه ایران سلام می‌دادند و ادای احترام می‌کردند. گویا برخی اهالی - احتمالاً بیکار - پاریس کنجکاو دیدن شاه سرزمین دور و باستانی ایران بودند. «در آن هیاهو، مردی با لباس ساده کارگری شتابان از میان دو خودرو پیش می‌آید و با واژگون کردن پلیس دوچرخه‌سوار، به سوی کالسکه سلطنتی هجوم می‌برد. در آن هنگام، بی‌درنگ بر رکاب

حمله آورد، حکیم‌الملک -پزشک شاه- زیر دست او زد، اتفاقاً ششلول هم کار نکرد. گویا برای تماشای ورسای رفته بود و هنگام خروج از کاخ، در شلوغی جلوی دروازه با مهاجم روبه‌رو شد. خبرنگار روزنامه سانفرانسیسکو کال که او هم در آن مقطع برای تهیه گزارش از نمایشگاه جهانی پاریس آنجا بود، به نقل از ژنرال پارت - از همراهان شاه در زمان سوء قصد - می‌نویسد: دقایقی پیش از وقوع حادثه، دستخطی به شاه ایران دادند که در آن به او هشدار داده می‌شد زندگی‌اش در خطر است. نویسنده این نامه کوتاه معلوم نشد و کسی هم چنان که باید موضوع را جدی نگرفت. توجهی به موضوع نشد، چون پیش از آن هم چند نمونه از چنین نامه‌هایی برای برخی شخصیت‌های دیگر فرستاده بودند. شاه قبل از خروج از کاخ همچنان که سوار



تصویر شماره ۸- مظفرالدین شاه در کنار ادوارد هفتم و ملکه الکساندرا

کالسکه می‌برد و با دست چپ خودش درب آن را گرفته، با دست دیگر هفت تیری به سوی شاه نشانه می‌رود. یک لحظه مُردد به نظر می‌رسید. گویی نمی‌دانست کجا را هدف بگیرد. این درنگ، زندگی شاه ایران را نجات داد، چون پیش از آن که مهاجم قادر به شلیک شود، دستی زورمند میج او را گرفت و پیچاند تا آن که سلاح از دستش رها شد.»

روز ۲۳ فروردین ۱۲۷۹ وی اولین سفر پرهزینه خود را به کشورهای اروپایی آغاز کرد. شاه که چهارمین سال سلطنت خود را پشت سر می‌گذاشت، شدیداً علاقه‌مند بود که به تقلید از پدرش سفری به «فرنگستان» برود ولی با خزانه خالی، امکان تامین هزینه چنین سفری فراهم نبود، تا اینکه روز ۹ بهمن ۱۲۷۸ امین‌السلطان (اتابک اعظم) صدراعظم وقت، که برای دومین بار با وعده تامین مخارج سفر شاه به این مقام منصوب شده بود، قراردادی برای دریافت ۲۳ میلیون و پانصد هزار روبل قرضه از روسیه امضا کرد و عایدات گمرکات ایران را که ممر اصلی درآمد خزانه بود در ازاء آن به وثیقه گذاشت. با دریافت این قرضه مقدمات سفر مظفرالدین شاه به فرانسه فراهم شد و موبک ملوکانه با جمع کثیری همراه که خود امین‌السلطان در راس آنان قرار داشت در روز ۲۳ فروردین سال ۱۲۷۹ راهی اروپا شد.

اولین سفر مظفرالدین شاه به اروپا هفت ماه به طول انجامید و در این مدت پنجمین پادشاه قاجار از کشورهای روسیه و اتریش و سوئیس و آلمان و بلژیک و فرانسه و در راه بازگشت از ترکیه عثمانی دیدن کرد. مظفرالدین شاه می‌خواست از انگلستان هم دیدن کند که به علت مرگ ملکه ویکتوریا و سوگواری دربار انگلیس برنامه این مسافرت لغو شد. سفر مظفرالدین شاه به اروپا که بخش اعظم قرضه دریافتی از روسیه صرف آن شد کمترین ثمره سیاسی یا اقتصادی برای ایران نداشت. وی در بازگشت از این سفر امتیاز نفت جنوب ایران را با شرایطی سهل به یک سرمایه‌دار انگلیسی به نام «ویلیام نکس دارسی» واگذار کرد

## تصویر شماره ۹- مظفرالدین شاه و درباریان در سفر اروپا



رو به افزایش گذاشت و ستمگری «عین الدوله» که از حدود رفتار «امین السلطان» هم تجاوز کرده بود، او را منفور عامه ساخت.»

تصویر شماره ۸، مظفرالدین شاه را در کنار ادوارد هفتم و ملکه الکساندرا نشان می‌دهد.

هدایت در صفحه ۱۴۰ کتاب خاطرات و خطرات می‌نویسد: «عین الدوله آنچه شنیده شد به قرضه محرمانه از انگلیس شاه را به فرنگ برد. گفته خوش نگذشته بوده است و طبیعی بود عین الدوله زبردستی اتابک را نداشته. صورت قرض به‌عنوان خرید اسلحه از دریفوس شد و آن وجه به مصرف مسافرت رسیده و مدت‌ها بعد طلب دریفوس در مشروطه پرداخته شد.»

تصویر شماره ۹، از معدود تصاویر برجای مانده از سفر شاه ایران به انگلستان است مربوط به استقبال شاه ادوارد از وی بر روی عرشه کشتی تفریحی پادشاه انگلیس در «پورتموث» در تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۰۲ برابر با ۲۸ مرداد ۱۲۸۱ شمسی است. از نکات قابل تشخیص در این عکس الماس دریای نور نقش بسته بر روی کلاه مظفرالدین شاه قاجار است.

گزاویه پاولی - مهماندار مظفرالدین شاه در پاریس - می‌گوید: «در ایران پادشاهان بر جای یکدیگر می‌نشینند ولی خدا را شکر که به یکدیگر شبیه نیستند. چنانکه مظفرالدین شاه با پدر خود هیچ وجه اشتراکی و تشابهی نداشت. به این معنی که این پادشاه در حقیقت طفلی مسن بود.»

از یک طرف هیکل درشت و سبیل‌های پرپشت و چشم‌های گرد پر از مهر، شکم گنده و چاقی ظاهر او جلب توجه می‌کرد از طرفی دیگر ذهن کهنه پرست و هوش ضعیف او. از جهت میزان فکر و فهم، مظفرالدین شاه حکم یک بچه مدرسه‌ای دوازده ساله را داشت و درست همان تعجب و سادگی و کنجکاوی که به‌چنین طفلی دست می‌دهد او را دست می‌داد. سرگرمی او همیشه چیزهای کوچک بی‌اهمیت بود و تنها به همین قبیل اشتغالات توجه می‌کرد و غیر از اینها به چیز دیگر دلخوش نمی‌شد.»

با اختیارات فوق‌العاده‌ای مأمور افزایش درآمد گمرکات نمود. فشار به تجار برای افزایش حقوق گمرکی بر نارضایی عمومی افزود و هنگامی که مظفرالدین شاه در خرداد ماه سال ۱۲۸۴ شمسی سومین سفر خود را به اروپا آغاز کرد زمینه برای قیام عمومی در ایران فراهم شده بود. مسافرت سوم شاه به اروپا روز ۱۶ خرداد ۱۲۸۴ آغاز شد و ۴ ماه به طول انجامید.

این سفر نیز متعاقب دریافت یک وام ۲۹۰ هزار لیره‌ای از بانک شاهی انگلیس عملی شد. شاه یک سال پس از پایان سفر سوم خود در روز ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ در بستر بیماری فرمان مشروطیت را که متضمن ترتیبات تشکیل مجلس بود امضا کرد و روز ۱۴ مهر ماه همین سال اولین دوره مجلس شورای ملی در حضور شاه افتتاح شد. مظفرالدین شاه نخستین قانون اساسی ایران را که در دوره اول مجلس تنظیم شده بود روز هشتم دی ماه ۱۲۸۵ امضا کرد و ده روز بعد در ۱۸ دی ۱۲۸۵ درگذشت.

ادوارد براون در کتاب انقلاب ایران می‌نویسد: «مسافرت شاه، تاثیر بدی در پایتخت نمود. بسیاری از بازرگانان در شاه عبدالعظیم متحصن شده و بازارها را به مدت ۵ روز بستند. از این قبیل پیشامدها آثار ناخوشایندی از شاه، دایر بر اسراف بیهوده، عشق مسافرت به خارجه، احاطه مامورین بلژیکی، تعرفه جدید گمرکی و استعمار کشور به توسط بیگانگان دارنده امتیاز

تا ممر عایدی تازه‌ای برای تامین مخارج دربار و مسافرت‌های بعدی خود به اروپا فراهم آورد.

دو سال بعد، مظفرالدین شاه هوس سفر پرهزینه دیگری به فرنگستان کرد. وی بعد از دریافت قرضه جدیدی به مبلغ ده میلیون روبل از روسیه و اعطای امتیازات تازه‌ای در شمال ایران به روس‌ها عازم فرنگستان شد.

دومین سفر مظفرالدین شاه به اروپا که در ۲۲ فروردین ۱۲۸۲ آغاز شد شش ماه به طول انجامید و در این مدت مظفرالدین شاه از اتریش و آلمان و بلژیک و فرانسه و انگلستان و ایتالیا بازدید کرد. مقصد نهایی مظفرالدین شاه در این سفر انگلستان بود.

در جریان دومین سفر مظفرالدین شاه به اروپا نارضایی عمومی در ایران بالا گرفت و مظفرالدین شاه بعد از بازگشت از این سفر مجبور شد امین‌السلطان را از کار برکنار و هیئتی مرکب از پنج وزیر برای اداره امور مملکت تعیین نماید. عنصر شاخص این هیئت عین‌الدوله داماد مظفرالدین شاه بود که وزارت داخله را به عهده داشت و یک سال بعد با این مأموریت که هزینه سفر سوم شاه را به اروپا تامین نماید، به مقام صدراعظمی منصوب شد.

روس‌ها و انگلیسی‌ها دیگر حاضر نبودند وام تازه‌ای به ایران بدهند و عین‌الدوله برای تامین هزینه سفر شاه، مسیونوز بلژیکی را که به تازگی برای اداره امور گمرکات ایران استخدام شده بود